

# میشل فوکو

فراسوی ساختگرایی

و هرمنیوتیک

با مؤخره‌ای به قلم میشل فوکو

هیوبرت دریفوس / پل رابینو

ترجمه دکتر حسین بشیریه



نشرنی



## کردارها و گفتمان در نخستین نوشته‌های فوکو

### تاریخ دیوانگی

کتاب دیوانگی و تمدن (۱۹۶۱) با توصیفی درباره طرد و حبس جذامیان در شبکه گسترده‌ای از مراکز نگهداری جذامیان که در طی قرون میانه در حواشی شهرهای اروپا برانگنده بودند، آغاز می‌شود. جذامیان در درون این محبسها از ساکنین شهر دور نگه‌داشته می‌شدند و در عین حال به اندازه کافی به شهر نزدیک بودند تا تحت نظارت و مراقبت باشند. حضور آنها در حاشیه شهر نگرش شدیداً دوپهلویی نسبت به آنها ایجاد می‌کرد؛ در نتیجه، آنها گاه به دیده دلسوزی و گاه به دیده دشمنی نگریسته می‌شدند. جذامیان مردمی خطرناک و شرور به‌شمار می‌رفتند که خداوند ایشان را کیفر داده بود اما به همین دلیل آنها نشانه جسمانی و بدنی قدرت خداوند و یادآور تکلیف مسیحیان به دستگیری از دیگران بودند.

ناگهان در پایان قرون میانه مراکز جذامیان در سراسر اروپا تخلیه شد. لیکن عرصه عینی جدایی اجتماعی و پیوند اخلاقی همچنان به جای خود باقی بود. این عرصه از نوبه وسیله ساکنین تازه‌ای پر شد که نشانهای نوی داشتند و از اشکال جدید اجتماعی در آینده خرمی دادند. «این اشکال با معنایی کاملاً تازه و در فرهنگی بسیار متفاوت باقی ماندند - خصوصاً شکل عمده تفکیک سختگیرانه‌ای که در طرد اجتماعی و در عین حال ترویج اخلاقی ظاهر می‌شد» (دیوانگی و تمدن، ص ۷). همین موضوع طرد مکانی و جذب فرهنگی به‌طور توأمان، که چارچوب کل کتاب دیوانگی و تمدن را تشکیل می‌دهد، در نخستین صفحات کتاب توضیح داده می‌شود.

فوکو پس از تصویر جذامیان لعنت شده و در عین حال مقدس، توصیف نیرومندی از